

پیمایش اثر مجازات بر بزه‌دیدگان مالی در بستر عدالت ترمیمی

(مقاله علمی - پژوهشی)

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی*

سیده طاهره خبازی خادر**

زهیر جهان‌دیده***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

چکیده

امروزه می‌توان عدالت ترمیمی را یکی از چندین پاسخی دانست که در برابر برخی جرایم ارائه می‌شود. این مفهوم دارای عناصری همچون بزه‌دیدگان، مجرمان معترف و شرمسار، رفتاری که مستقیماً بزه‌دیده و جامعه محلی را متأثر می‌سازد، فرایندها و مسئولیت مجرم نسبت به بزه‌دیده است. هدف این مسئولیت ترمیم اموری است که به وسیله جرم آسیب دیده‌اند. در این میان برخی مسئولیت مذکور را با مجازات غیرمرتبط دانسته و برخی آن را سازگار با مجازات می‌دانند. تحقیق حاضر با پیمایش اثر مجازات بر بزه‌دیدگان واقعی و فرضی به دنبال تبیین جایگاه مجازات در عدالت ترمیمی با استناد به شواهد تجربی است. جامعه آماری تحقیق دانشجویان ایرانی دانشگاه فردوسی مشهد هستند که با استفاده از آماره کوکران حجم نمونه ۳۷۸ نفر تعیین و نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری لایه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه با طیف لیکرت می‌باشد. روایی پرسشنامه با کمک اساتید بررسی شده و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفا در سطح ۰/۸۱ ارزیابی گردید. سپس داده‌های خام با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها نشان می‌دهد بزه‌دیدگان نگرش‌های متفاوتی نسبت به اهداف مجازات دارند. نگرش ترمیمی در جرایم سبک می‌تواند منجر به عدم اعمال مجازات گردد؛ اما با افزایش شدت و اهمیت جرم نگرش ترمیمی تضعیف می‌شود و طرفداری از اعمال مجازات افزایش می‌یابد. ارزیابی عوامل بهبود و عدم بهبود عاطفی بزه‌دیدگان نشان می‌دهد ایشان نمی‌توانند عواطف خود را بدون اعمال مجازات ترمیم یافته بدانند؛ با این حال اگر عذرخواهی و جبران خسارت توأم با مجازات باشد به مجازات سبک‌تر رضایت می‌دهند.

کلید واژگان:

مجازات، عدالت ترمیمی، بزه‌دیده، بهبود عاطفی.

* دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

javan-j@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

khabbazi@mail.um.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

zoheir.jahandideh@mail.um.ac.ir

مقدمه

رابطه مجازات و عدالت ترمیمی در هاله‌ای از نظرات مختلف قرار گرفته است. متفکران اولیه عدالت ترمیمی به طور کلی مخالف مجازات بودند. دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، آنگاه که نظریه‌های انتقادی در قالب جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی و حتی الغاگرایی نظام کیفری مطرح شدند و بزهکار را حاصل ساختار عدالت کیفری و عملکرد کارگزاران آن می‌دانستند، کیفر زندان را به باد انتقاد گرفته، رفتار پلیس و قضات را موجب تعامل برچسب‌زننده شمردند؛ عده‌ای از حقوقدانان و جرم‌شناسان با پیشنهاد مدل‌های جدیدی از عدالت -از جمله عدالت ترمیمی- به‌عنوان بدیل و جایگزین، از مدل عدالت کیفری کلاسیک روی گردانندند.^۱ در این هنگام تغییر عدالت کیفری به سمت نرمش بیشتر و جهت‌تنبیهی کمتر ممکن به نظر می‌رسید و دیدگاه‌های رادیکال متفکران اولیه عدالت ترمیمی خوش‌بینی زمانه‌شان را منعکس می‌کرد. البته چنین خوش‌بینی در دهه ۸۰ و ۹۰ با ظهور گفتمان مدیریتی و آماری در جرم‌شناسی و چرخش محافظه‌کارانه و کیفرگرا سیاست‌های کیفری کاهش یافت.^۲

علیرغم ادامه رویکرد مدیریتی، ایده عدالت ترمیمی به‌عنوان الگویی جدید بر سایر ایده‌های عدالت که در خلال دهه‌های ۷۰ و ۸۰ منتشر می‌شدند، سبقت گرفت و آنها را تحت‌الشعاع قرار داد. به نظر می‌رسید عدالت ترمیمی برای هر کس با هر دیدگاهی برنامه‌ای ارائه می‌کند.^۳ افراد بسیاری در خصوص این ادبیات در حال گسترش، مباحثی را مطرح کردند و مردم، دانشگاهیان، مجریان و طرفداران زمینه رشد آن را ایجاد کردند. دولت‌هایی که مجذوب این ایده شدند، برخی برنامه‌های بازسازی را به‌عنوان ترمیمی بازنویسی کردند و آنها را برای مجرمان جوان به کار

۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، **از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی**، الهیات و حقوق (آموزه‌های حقوقی)، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۷-۱۵؛ نوبهار، رحیم، **از تعطیل حد تا الغاگرایی کیفری**، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۴، صص ۱۲۵-۱۲۷.

۲. ماری، فیلیپ، **کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا**، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۳۳۵-۳۳۳؛ ساریخانی، عادل و مهدی خاقانی اصفهانی، **نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم‌شناسی غربی از منظر سیاست جنایی قرآن کریم**، کاوشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱، ص ۵۱.

۳. برای مطالعه بیشتر رک: عباسی، مصطفی، **عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری**، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۲، شماره ۹، صص ۹۹-۱۰۰.

گرفتند تا ایده عدالت ترمیمی منافع خود را عرضه کند. در آن زمان، اکثر متفکران عدالت ترمیمی، عدالت کیفری مرسوم را شکست خورده می‌دانستند و بیان می‌کردند که مجرمان باید نقش سازنده‌تری در جبران خسارت بزهدیدگان داشته و پاسخ به جرم باید در قالب شیوه‌های ترمیم‌بخش باشد. در عین حال همه آنها در تلاش بودند تا ارتباط نقش جدید مجرمان را با عدالت کیفری دریابند؛ اما عموماً در این برهه هر تعاملی که با سزادهی یا مجازات صورت می‌گرفت، توسط طرفداران به‌عنوان خارج از موضوع عدالت ترمیمی بودن یا خلاف اصول عدالت ترمیمی بودن رها می‌شد.^۱

با اینکه در میان مباحث اولیه تقابل صریحی میان عدالت کیفری و عدالت ترمیمی وجود داشت و فعالان عدالت ترمیمی رویای روزی را داشتند که عدالت کاملاً ترمیمی باشد و صرفاً پاسخ‌های غیرتنبیهی در برابر جرم به رسمیت شناخته شود، عدالت کیفری در حاشیه قرار گیرد و مجازات به کلی حذف گردد؛ اما بعداً اکثر طرفداران عدالت ترمیمی تصدیق کردند که این مطلب گمراه‌کننده است، چرا که کیفر می‌تواند و باید بخشی از عدالت ترمیمی باشد.^۲

بنابراین در تحولات نظریه‌پردازی عدالت ترمیمی دو رویکرد دوگانه رشد کرد: گروه ناب‌خواه و گروه بیشینه‌خواه. رویکرد ناب‌خواه عدالت ترمیمی را در قالب فرایند آن ملاحظه می‌کند و فرایند عدالت ترمیمی را مهم‌تر از نتیجه آن می‌داند. از نظر ناب‌خواهان فرایندمحور آنچه در عدالت ترمیمی مهم است، نفس شیوه‌های ترمیم‌بخش، یعنی جلسات گروهی، میانجی‌گری و مذاکره است که در آن نقش اصلی در حل و فصل اختلافات کیفری به بزهدیده، بزهدکار و جامعه محلی واگذار می‌شود. رویکرد ناب‌خواه معتقد است که به تدریج نظام عدالت کیفری سنتی را کنارخواهد زد و جلوه‌های ترمیمی جای آیین‌های رسمی حل و فصل اختلافات را خواهند گرفت.

1. Daly, K., "The Punishment Debate in Restorative Justice", in Jonathan Simon and Richard Sparks (editors), *The Handbook of Punishment and Society*, 1st Ed, London: Sage Publications, 2013, pp. 357-358.

2. Zehr, Gohar, 2002; Walgrave, 2004, 2008; Van Ness and Strong, 2006, quoted in Daly, K., "The Punishment Debate in Restorative Justice", in Jonathan Simon and Richard Sparks (editors), *The Handbook of Punishment and Society*, 1st Ed, London: Sage Publications, 2013, p. 359.

بریث ویث، جان، **عدالت ترمیمی**، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴۳، صص ۵۶۴-۵۶۵؛ خسروشاهی، قدرت‌الله، **تاملات فلسفی در عدالت ترمیمی**، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۱۳۸۴، شماره ۳۴، ص ۴۵.

در مقابل، رویکرد پیشینه‌خواه نتیجه‌محور است و بر نتیجه حاصل از فرایند عدالت ترمیمی تأکید دارد. بر اساس این رویکرد، هدف اصلی عدالت ترمیمی تلاش برای جبران انواع خسارت‌های ناشی از ارتکاب بزه است و آیین‌های عدالت ترمیمی در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرند.^۱ پیشینه‌خواهان معتقدند برنامه‌های ترمیمی ناب‌خواهان در همه وضعیت‌ها قابلیت اجرایی ندارد و عدالت ترمیمی آن‌طور که مدنظر ناب‌خواهان است، ممکن است در درازمدت فقط زمینه و مناسبتی برای اعمال نسبت به جرایم کم‌اهمیت پیدا کند و جرایم بزرگ و شدید همچنان در صلاحیت عدالت کیفری سنتی باقی بماند. از دیدگاه پیشینه‌خواهان اعمال مجازات مناسبتی است برای جبران خسارات و ترمیم روابط بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه محلی و احیای علقه‌های گروهی و اجتماعی.^۲

بنابراین برخی، نظریات مجازات و عدالت ترمیمی را در تضاد با یکدیگر برشمرده، برخی دیگر آنها را سازگار با یکدیگر تشخیص می‌دهند و این دو را مکمل همدیگر می‌دانند. در این میان، مطالعاتی که بتوانند با ارزیابی داده‌های تجربی به بررسی جایگاه مجازات در عدالت ترمیمی و نقش آن در ترمیم بپردازد، کمتر مشاهده شده است؛ لذا تحقیق حاضر به ارزیابی این موضوع از جنبه تجربی می‌پردازد تا دیدگاه بزه‌دیدگان را نسبت به مجازات در عدالت ترمیمی مورد کنکاش قرار داده، اثر مجازات را در ایجاد حس امنیت و بهبودی پس از جرم نسبت به بزه‌دیده بسنجد.

۱. مبانی نظری

عدالت ترمیمی ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از تفکر را نسبت به بزه و عدالت عرضه می‌کند و روش جدید اندیشیدن درباره جرم و چگونگی واکنش به آن است.^۳ جانستون^۴ و ون نس^۵ عدالت ترمیمی را مفهوم مبهمی می‌دانند که در تعریف آن اتفاق نظری میان کسانی که در

۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، محمدرضا شادمان فر و عبدالعلی توجهی، **اصلاح ذات البین و نظریه عدالت ترمیمی**، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۳، ص ۱۹۸.

۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی**، الهیات و حقوق (آموزه‌های حقوقی)، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، شماره ۹ و ۱۰، صص ۲۷ و ۲۸.

۳. غلامی، حسین، **عدالت ترمیمی**، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۷.

4. Johnstone
5. Van Ness

این زمینه فعالیت می‌کنند، پدید نیامده است؛^۱ با این حال برای آغاز بحث می‌توان به تعاریف برخی از متفکران مشهور این حوزه اشاره کرد. تونی مارشال عدالت ترمیمی را فرایندی می‌داند که «طی آن طرف‌هایی که به نوعی در جرمی خاص حق و سهم دارند، دور هم جمع می‌شوند تا درباره نحوه برخورد با عواقب جرم ارتكابی و استلزامات آن برای آینده به صورت جمعی تصمیم بگیرند».^۲ در تعریف والگریو،^۳ «عدالت ترمیمی هر اقدامی است که قبل از هر چیز به سمت اِعمال عدالت از طریق جبران خسارات و صدماتی که با ارتكاب جرم به وجود آمده است جهت‌گیری می‌کند».^۴ به عقیده زهر^۵ «جرم تعدی و تجاوز به مردم و روابط میان‌فردی است که ارتكاب آن موجب ایجاد تعهد برای ترمیم آنچه که تخریب شده است می‌گردد».^۶ از نظر بریث-ویت^۷ عدالت ترمیمی یعنی بازسازی بزهدیدگان، بزهدکاران و نظم به‌هم‌خورده اجتماعی.^۸

با توجه به این تعاریف، پرسش‌هایی که پس از وقوع جرم در عدالت ترمیمی مطرح می‌شود، این است که چه چیز تخریب شده است؟ صدمه وارده چگونه می‌تواند جبران شود و برای بازسازی چه باید کرد؟ بزهدیده به چه چیز نیازمند است تا بهبود یابد و احساس امنیت مجدد کند؟ متفکران عدالت ترمیمی چگونه ترمیم را تعریف می‌کنند؟ و نقش مجازات در ترمیم چیست؟

در دیدگاه ترمیمی بزهدکار نسبت به بزهدیده پاسخگو است و در جستجوی ایجاد احساس پاسخگویی کامل و مستقیم است؛ بدین معنا که بزهدکار باید با واقعه‌ای که منجر به نقض قانون شده روبرو شود و نتایج آن را تحمل نماید. بنابراین تعیین اینکه چه اقدامی می‌تواند چنین صدماتی را ترمیم کند، امری ضروری است. برخی از طرفداران عدالت ترمیمی مانند مارتین

1. Daly, K., "The Punishment Debate in Restorative Justice", in Jonathan Simon and Richard Sparks (editors), *The Handbook of Punishment and Society*, 1st Ed, London: Sage Publications, 2013, p. 360.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی**، الهیات و حقوق (آموزه‌های حقوقی)، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، شماره ۹ و ۱۰، ص ۲۲.

3. Walgrave

۴. همان، ص ۲۳.

5. Zehr

۶. زهر، هوارد، **اصول عدالت ترمیمی**، ترجمه حسین غلامی، اصلاح و تربیت، شهریور ۱۳۹۱، شماره ۱۲۴، ص ۳۴.

7. Braithwaite

۸. بریث ویت، جان، **عدالت ترمیمی**، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴۳، ص ۵۴۳.

رایت،^۱ جان هاردینگ^۲ و کریستا پلیکان^۳ معتقدند تلاش‌های سازنده مجرم در جهت اینکه با پرداخت پول یا انجام کاری برای بزهدیده صدمات ایجاد شده به وسیله جرم را اصلاح یا جبران کند، برای ترمیم کفایت می‌کند.^۴ رندی بارنت^۵ با بازتعریف جرم به‌عنوان تعرض یک شخص نسبت به دیگری و نه دولت، پرداخت غرامت و جبران خسارت غیرکیفری را موجب اصلاح و ترمیم می‌داند. وی با به کار بردن اصطلاح عدالت جبرانی اصولاً عدالت را ترمیم و جبران خسارات ایجاد شده به‌وسیله پرداخت‌های مالی به بزهدیده را تعریف می‌کند.^۶ زهر نیز همانند بارنت با تعریف دوباره جرم، آن را صدمه به اشخاص و جوامع محلی دانسته که بزهدیده باید به ترمیم صدمات ناشی از آن بپردازد. زهر مجازات را پاسخگویی واقعی مجرم در برابر رفتار ارتكابی خویش قلمداد نمی‌کند.^۷ وی در مواجهه با جرم جبران را ترجیح می‌دهد^۸ و آن را ابزار ترمیم بزهدیده و جامعه محلی تلقی می‌کند.^۹ در واقع، در این دسته از نظرات ترمیمی کردن فرایند و آیین دادرسی مورد تأکید است و هدف بیشتر جبران خسارات و ترمیم صدمات عاطفی ناشی از جرم با مشارکت افراد درگیر است تا مجازات بزهدیده. تمایل به شناسایی پاسخ‌های غیرتنبیهی و سازنده‌تر به جرم و عدم پذیرش مجازات مشخصه این دسته از نظرات است.

این در حالی است که عده‌ای دیگر از طرفداران عدالت ترمیمی چندان با نظرات فوق‌الذکر موافق نیستند. به‌عنوان مثال، بریث‌ویت معتقد است ترمیم بزهدیدگان شامل چند مرحله است: جبران زیان مالی یا آسیب‌های شخصی، ترمیم احساس امنیت، ترمیم احساس توانمندی و ترمیم همنوایی بر پایه این احساس که عدالت اجرا شده است.^{۱۰} از نظر وی، تنها جبران زیان مالی یا آسیب‌های جسمی و روحی برای بازسازی بزهدیده کافی نیست. ترمیم احساس امنیت و ترمیم

1. Martin Wright

2. John Harding

3. Christa Pelikan

۴. عباسی، مصطفی، **عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری**، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۲، شماره ۹، صص ۹۲ و ۹۳.

5. Randy Barnett

6. Daly, K., "The Punishment Debate in Restorative Justice", in Jonathan Simon and Richard Sparks (editors), *The Handbook of Punishment and Society*, 1st Ed, London: Sage Publications, 2013, p. 359.

7. Zehr, H. and Gohar, A., *The Little Book of Restorative Justice, Intercourse*, 1st Ed, Pennsylvania: Good Books, 2002, p. 15.

8. Ibid, p. 84.

9. Ibid, p. 31.

۱۰. بریث ویت، جان، **عدالت ترمیمی**، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴۳، ص ۵۴۴.

حس اجرای عدالت نیز جزء استلزامات بازسازی بزه‌دیده به شمار می‌آید که این امور نیز در گرو مجازات بزه‌کار است. از نظر او نباید تصور کرد عدالت ترمیمی کیفر را در آینده حذف می‌کند، بلکه وی موفقیت عدالت ترمیمی را در سایه مجازات می‌داند.^۱

کونراد برونک،^۲ فیلسوف حقوق، استدلال می‌کند که عدالت مبتنی بر سزادهی و عدالت ترمیمی آنگونه که اغلب تصور می‌شود، دو ستون مقابل هم نیستند. یک هدف اصلی در هر دو نظریه استیفای حق از طریق معامله متقابل و به وسیله ایجاد شرایط مساوی است. در نتیجه وقوع عمل زیانبار مجرمانه توازی از دست رفته است؛ لذا بزه‌دیده مستحق جزی و بزه‌کار بدهکار امر دیگری می‌شود.^۳ والگریو اظهار می‌دارد ترمیم و سزادهی متضاد نیستند، اما دو روی یک سکه‌اند و بازسازی مجدد پیامدهای جرم وجه اشتراک میان ترمیم و سزادهی است.^۴

از دیدگاه لندن، مجازات زمانی که همراه ابزارهای دیگر بازسازی اعتماد شامل عذرخواهی، توافق برای پرداخت خسارت و اقدام برای اصلاح اجرا شود، می‌تواند به‌عنوان ابزار ترمیم عمل کند.^۵ نیل کریستی^۶ با وجود آنکه بیشتر بر فرایندهای عدالت ترمیمی و دادگاه بزه‌دیده‌محور متمرکز است تا مجازات، اما تأکید دارد پس از عذرخواهی و جبران خسارات، در صورتی که قضات اعمال مجازات بر بزه‌کار را ضروری تشخیص دهند، باید مجازات در حق وی اجرا شود؛ چرا که گاه جامعه محلی عدم اقدام در این خصوص را تاب نمی‌آورد و دادگاه‌های محلی بدون توجه به ارزش‌های محلی، دادگاه محلی نخواهد بود.^۷

۱. شیری، عباس، *عدالت ترمیمی*، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۱۷۶.

2. Conrad Brunk

۳. خسروشاهی، قدرت الله، *تاملات فلسفی در عدالت ترمیمی*، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۱۳۸۴، شماره ۳۴، ص ۴۵.

4. Daly, K., "The Punishment Debate in Restorative Justice", in Jonathan Simon and Richard Sparks (editors), *The Handbook of Punishment and Society*, 1st Ed, London: Sage Publications, 2013, pp. 364-365.

5. London, R., *Crime, Punishment, and Restorative Justice: From the Margins to the Mainstream*, 1st Ed, Boulder, Colorado: Lynne Rienner Publishers, 2011, p. 108.

6. Nils Christie

۷. کریستی، نیل، ترجمه حسین غلامی، *اختلافها به مثابه دارایی*، حقوق اسلامی، بهار ۱۳۸۵، شماره ۸، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.

استفان گروی^۱ مجازات را از عدالت ترمیمی غیرقابل حذف دانسته، عدم سازگاری مجازات با عدالت ترمیمی را فرضیه‌ای غلط برمی‌شمارد. به نظر او، برخی طرفداران عدالت ترمیمی ماهیت رفتار مجرمانه را اشتباه فهمیده‌اند و این امر باعث شده است تا گمان کنند در عدالت ترمیمی فضایی برای مجازات وجود ندارد و جبران خسارات به تنهایی برای اصلاح آسیب ناشی از بزه کافی است. در حالی که آسیب ناشی از بزه را تنها با مجازات می‌توان کاملاً اصلاح کرد؛ چون جبران خسارت به علت محدود بودن، به تنهایی بزهدیده را ترمیم نمی‌کند.^۲ داف معتقد است که ترمیم نه تنها با سزادهی سازگار است، بلکه مستلزم سزادهی است. از نظر وی ترمیم تنها از طریق سزادهی به دست می‌آید و مجازات را برای ترمیم ضروری می‌داند. او بیان می‌کند که جرم نه تنها به فرد صدمه می‌زند، بلکه به او ستم نیز می‌کند. ظلم‌ها و ستم‌ها به پاسخ کیفری نیاز دارند و نه پاسخ مدنی، و جبران ستم وارده نیز فقط با مجازات مجرم ممکن می‌شود. مجازات نوعی از درد و رنج است که برای مقابله با ستمکاری فرد ضروری است.^۳

به هر ترتیب طی دو دهه گذشته مباحث درباره مجازات در عدالت ترمیمی توسعه پیدا کرده، اغلب متفکران به جای آنکه عدالت ترمیمی و مجازات را به‌عنوان موضوعاتی متضاد مورد تحلیل قرار دهند، بیشتر آنها را مرتبط می‌دانند؛ به طوری که اصل ۲ قطعنامه اصول پایه در به‌کارگیری برنامه‌های عدالت ترمیمی در قلمروی کیفری مصوب سال ۲۰۰۲ که به کلیه کشورهای عضو توصیه می‌کند از این فرایندها در نظام عدالت کیفری استفاده نمایند، «مهمترین» فرایندهای ترمیمی را میانجی‌گری کیفری، آشتی، نشست‌های گروهی و خانوادگی و حلقه‌های تعیین مجازات بیان می‌کند.^۴

1. Stephen Garvey

۲. شیری، عباس، *عدالت ترمیمی*، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶، صص ۲۰۸ و ۲۰۹.

3. Daly, K., "The Punishment Debate in Restorative Justice", in Jonathan Simon and Richard Sparks (editors), *The Handbook of Punishment and Society*, 1st Ed, London: Sage Publications, 2013, pp. 365-366.

۴. شیری، عباس، *پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۷۴، ص ۲۱۷.

۲. پیشینه تحقیق

به نظر می‌رسد در منابع داخلی ادبیات موجود در زمینه جایگاه مجازات در عدالت ترمیمی با مباحث تئوریک عجین شده است و تحقیقی که به طور تجربی به تأثیر مجازات بر بزهدیدگان در عدالت ترمیمی پرداخته باشد، وجود ندارد. در منابع خارجی نیز شمار محدودی از تحقیقات تجربی به این موضوع اختصاص پیدا کرده و اغلب اندیشمندان عدالت ترمیمی از دیدگاه نظری به این بحث پرداخته و تلاش کرده‌اند تا جایگاه مجازات در عدالت ترمیمی را به لحاظ نظری توجیه و تبیین نمایند. شومن و اسمیت^۱ با بررسی اغلب تئوری‌های مرتبط با تأثیر مجازات بر صدمات عاطفی بزهدیده، نتایج حاصله را متکی بر تجربیات شخصی افراد دانستند که باید با پیمایش‌های تجربی دقیق اعتبارسنجی شوند.^۲

در میان تعداد اندک پژوهش‌های تجربی موجود، یک تحقیق به ارزیابی جایگاه مجازات در عدالت ترمیمی از طریق مصاحبه با بزهدیدگان و بزهدکارانی که در یکی از فرایندهای عدالت ترمیمی شرکت کرده بودند، پرداخته است. در این تحقیق، کاتلین دیلی^۳ به این نتیجه رسید که مجازات جزء جدایی‌ناپذیر عدالت ترمیمی است و علیرغم آنچه برخی طرفداران بیان می‌کنند که نتایج عدالت ترمیمی مربوط به اصلاح، ترمیم و جبران خسارات است و با مجازات ارتباطی ندارد، مصاحبه‌شوندگان چنین اعتقادی نداشتند و مجازات را بخشی از عدالت ترمیمی تلقی می‌کردند.^۴ با این حال، این تحقیق به طور خاص به پیمایش اثر مجازات بر بزهدیده نپرداخته است.

تحقیق دیگری که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد، توسط راس لندن^۵ و در راستای نظریه او در خصوص عدالت ترمیمی انجام شده است. او در نظریه خود ترمیم اعتماد را در دو سطح شخصی (اعتماد به مجرم) و اجتماعی (اعتماد به جامعه) به‌عنوان هدف عدالت ترمیمی معرفی می‌کند و مجازات را یک ابزار ترمیم اعتماد می‌داند. از دیدگاه وی، هنگامی که اعتماد با سایر روش‌ها از جمله عذرخواهی و جبران خسارت ترمیم شد، متوسل شدن به مجازات می‌تواند

1. Shuman & Smith

2. London, R., *Crime, Punishment, and Restorative Justice: From the Margins to the Mainstream*, 1st Ed, Boulder, Colorado: Lynne Rienner Publishers, 2011, pp. 109-110.

3. Kathleen Daly

4. Daly, K., (1999, Nov.17-21), "Restorative Justice and Punishment: The View of Young People", Paper Presented at the American Society of Criminology Annual Meeting, Toronto, Retrieved from: http://www.rpforschools.net/articles/School_Programs/Restorative_Justice_and_Punishment:_The_View_of_Young_People.pdf, pp 13-14.

5. Ross London

به حداقل برسد.^۱ او در مطالعه تجربی خود تأثیر مجازات را بر سلامت و بهبود عاطفی بزه‌دیدگان مورد سنجش قرار داده، نتیجه می‌گیرد که در یک مدل ترمیمی، مجازات یکی از عناصر اصلی است که به بهبودی از جرم بزه‌دیدگان کمک می‌کند. او متوجه شد که سلامت عاطفی بزه‌دیدگان پس از جرم با عذرخواهی، پرداخت خسارت و تسلیم بودن نسبت به مجازات مستحق می‌تواند بهبود یابد.^۲

بنابراین با توجه به اینکه تعداد کمی از مطالعات میدانی به این موضوع پرداخته‌اند، تحقیق حاضر با الهام از مطالعه تجربی اخیر تأثیر مجازات را بر بزه‌دیدگان واقعی و فرضی جرم مورد بررسی قرار خواهد داد.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و داده‌های تحقیق به دو صورت اسنادی و میدانی گردآوری شده است؛ به این صورت که در مرحله نخست برای درک و تشریح بنیان‌های نظری و پیشینه تحقیق به جمع‌آوری اطلاعات از منابع مکتوب موجود مبادرت گردید و سپس برای گردآوری سایر داده‌های مورد نیاز از ابزار پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت بهره‌گیری شد. بدین منظور، پرسشنامه‌ای با ۵۴ مولفه طراحی و در پنج بخش تنظیم گردید. در بخش اول دیدگاه پاسخگویان نسبت به اهداف ارباب، سزادهی، اصلاح و ترمیم مورد سنجش قرار گرفت. در قسمت نخست بخش دوم از پاسخگویان خواسته شد تا خود را بزه‌دیده جرمی سبک با مضمون زیر تصور نمایند:

در مکانی عمومی کیف پول شما سرقت می‌شود. یک هفته بعد مردی ۲۵ ساله که فاقد سابقه کیفری است، بعد از اینکه تلاش می‌کند تا از کارت شناسایی شما استفاده کند، دستگیر می‌شود. مجموع خسارات شما (شامل کیف، وجه نقد و ...) دو میلیون ریال است.

سپس نظر آنها در مورد حکم این پرونده، مبنی بر اینکه آیا باید شامل پرداخت خسارت به بزه‌دیده، پرداخت جریمه به دولت، خدمات عمومی رایگان، زندان یا نوع دیگری از مجازات باشد،

1. London, R., *Crime, Punishment, and Restorative Justice: From the Margins to the Mainstream*, 1st Ed, Boulder, Colorado: Lynne Rienner Publishers, 2011, p 105.

2. Ibid, p 111.

مورد پرسش قرار گرفت. در قسمت دوم همین بخش، سوالات مذکور نسبت به همان جرم اما با مجرمی که یک سابقه کیفری به علت ارتکاب جرم مشابه دارد، پرسیده شد.

در قسمت اول بخش سوم پاسخگویان خود را بزه‌دیده جرم نسبتاً سنگین‌تری به شرح زیر فرض کرده و نظرات خود را در مورد حکمی که در این پرونده باید صادر شود، بیان نمودند:

شب‌هنگام که به تنهایی در خیابان به طرف منزل قدم می‌زنید، مردی از پشت به شما ضربه می‌زند و شما را به طرف دیواری هل می‌دهد. او چاقوی خود را نشان می‌دهد و درخواست پول می‌کند. شما کیف پول خود را به او می‌دهید و او فرار می‌کند. یک هفته بعد، آن فرد بعد از اینکه تلاش می‌کند تا از کارت شناسایی شما استفاده کند، دستگیر می‌شود. او مردی ۲۵ ساله است و یک سابقه محکومیت به علت ارتکاب یک جرم مشابه دارد. مجموع خسارت شما حدود ده میلیون ریال می‌شود.

در قسمت دوم این بخش واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به این جرم مشتمل بر عصبانیت، تنفر، ناامنی، افسردگی و اضطراب مورد سوال قرار گرفت. سپس از آنها خواسته شد تا بیان کنند به‌عنوان بزه‌دیده این جرم در چه صورت عواطفشان بهبود می‌یابد و احساس بهتری خواهند داشت: اگر مجرم ملزم به پرداخت همه خسارات شود، یک عذرخواهی کامل و صادقانه داشته باشد، مجازات قابل‌توجهی دریافت کند، اجازه داده شود تا در تصمیم‌گیری دادگاه در مورد تعیین حکم پرونده مشارکت کند یا در دادگاه با وی با احترام برخورد شود. پس از آن همین سوالات با همین متغیرها برعکس شده، از پاسخگویان خواسته شد تا تأثیر فقدان هریک از عوامل مذکور را در بهبود عاطفی خود ارزیابی کنند و بیان نمایند که به‌عنوان بزه‌دیده تا چه حد احساس بدی خواهند داشت، اگر:

مجرم هیچ‌گونه مجازاتی دریافت نکند، عذرخواهی نکند، ملزم به پرداخت خسارات نشود، به بزه‌دیده اجازه داده نشود تا در تصمیم‌گیری دادگاه در مورد تعیین حکم پرونده مشارکت کند یا در دادگاه با وی با احترام برخورد نشود.

بخش چهارم بر سه متغیر اصلی عذرخواهی، پرداخت خسارت و مجازات که در بهبود عواطف نقش دارند، تمرکز کرده است. برای کنترل سایر متغیرهایی که ممکن است بر ترمیم عواطف تأثیر داشته باشند، مانند رفتار محترمانه دادگاه و مشارکت در فرایند عدالت کیفری، در قسمت

اول این بخش از پاسخگویان خواسته شد تا فرض کنند اکنون روز دادگاه است و مجرم تمایل دارد گناه خود را به گردن بگیرد. دادگاه با احترام با آنها برخورد می‌کند و اجازه مشارکت در این پرونده را نیز به هر اندازه که مایل باشند، به آنها می‌دهد؛ بدین ترتیب که به‌عنوان مثال اجازه می‌دهد ملاقات با مجرم تحت نظارت صورت بگیرد، تا دو طرف احساسات خود را بیان کنند، سؤال بپرسند و سعی کنند در مورد آنچه در این پرونده بهتر است انجام شود، توافق کنند.

در قسمت دوم بخش چهارم، سه متغیر عذرخواهی، پرداخت خسارت و مجازات به سه صورت مدل تنبیهی، غیرتنبیهی و جامع مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور در مدل تنبیهی واکنش بزه‌دیده نسبت به مجازات مجرم، بدون عذرخواهی و پرداخت خسارت از سوی وی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مدل غیرتنبیهی واکنش بزه‌دیده را در قبال عذرخواهی و پرداخت خسارت، بدون مجازات مجرم سنجیده و مدل جامع واکنش بزه‌دیده را نسبت به مجازات، عذرخواهی و پرداخت خسارت تحلیل می‌کند. در قسمت سوم این بخش از پاسخگویان در خصوص کاهش میزان مجازات در صورت عذرخواهی صادقانه مجرم و جبران خسارات از سوی او سوال شد.

در بخش انتهایی سوالاتی درباره جنسیت، سن و درآمد پرسیده شد. همچنین برای تفکیک پاسخ‌های بزه‌دیدگان فرضی و بزه‌دیدگان واقعی، این پرسش مطرح شده است که آیا تا کنون بزه‌دیده جرایم مذکور در پرسشنامه (جیب‌بری و زورگیری) بوده‌اند یا خیر.

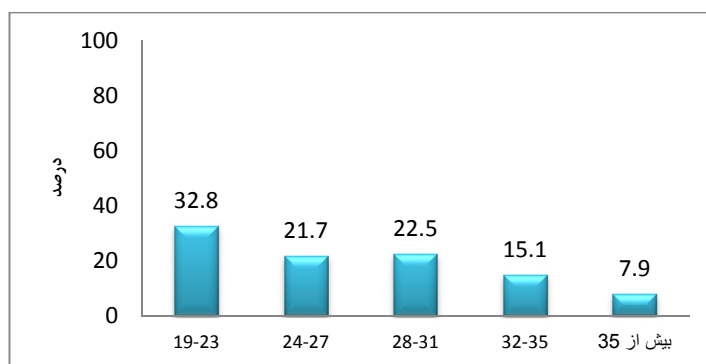
لازم به ذکر است که در ابتدای پرسشنامه توضیح داده شده که منظور از «مجازات»، کیفرهایی مانند حبس، شلاق، جزای نقدی یا خدمات عمومی رایگان است و شامل مواردی همچون توانبخشی و پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان نمی‌شود.

برای دستیابی به روایی مطلوب پرسشنامه از روش صوری بر پایه قضاوت اساتید استفاده شد و بعد از حصول اطمینان از روایی آن، پرسشنامه تهیه شده در اختیار افراد نمونه جامعه آماری قرار گرفت. جامعه آماری تعریف شده در این تحقیق شامل دانشجویان ایرانی دانشگاه فردوسی مشهد در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در سال ۹۹-۱۳۹۸ می‌باشند. با توجه به جامعه ۲۵۰۰۰ نفری دانشجویان ایرانی دانشگاه فردوسی مشهد، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۸ نفر برآورد شد که به روش نمونه‌گیری لایه‌ای تصادفی انتخاب شدند. سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام از نرم‌افزار SPSS و Excel استفاده گردید. پایایی پرسشنامه

با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که در سطح آلفای ۰/۸۱ قابل قبول بوده و از پایایی مناسبی برخوردار است.

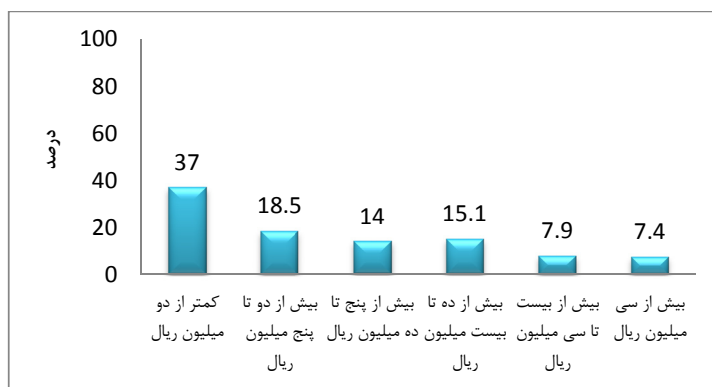
۴. یافته‌های تحقیق

در جامعه آماری مورد مطالعه ۵۰٪ مرد و ۵۰٪ زن هستند. از این میان ۳۲/۸ درصد ۱۹-۲۳ سال دارند، ۲۱/۷ درصد ۲۴-۲۷ سال، ۲۲/۵ درصد ۲۸-۳۱ سال، ۱۵/۱ درصد ۳۲-۳۵ سال و ۷/۹ درصد بیش از ۳۵ سال سن دارند.



نمودار ۱: درصد فراوانی پاسخگویان برحسب سن

درآمد ۳۷٪ پاسخگویان کمتر از ۲ میلیون ریال بوده که از این میان ۱۸ نفر بزه‌دیده واقعی جیب‌بری و ۱۳ نفر بزه‌دیده واقعی زورگیری بوده‌اند. ۱۸/۵٪ بین بیش از ۲ تا ۵ میلیون ریال درآمد داشته‌اند که ۹ نفر بزه‌دیده واقعی جیب‌بری و ۷ نفر بزه‌دیده واقعی زورگیری بوده‌اند. ۱۴٪ بین بیش از ۵ تا ۱۰ میلیون ریال درآمد داشته‌اند که ۶ نفر بزه‌دیده واقعی جیب‌بری و ۵ نفر بزه‌دیده واقعی زورگیری بوده‌اند. ۱۵/۱٪ بین بیش از ۱۰ تا ۲۰ میلیون ریال درآمد داشته‌اند که ۱۵ نفر بزه‌دیده واقعی جیب‌بری و ۴ نفر بزه‌دیده واقعی زورگیری بوده‌اند. ۷/۹٪ بین بیش از ۲۰ تا ۳۰ میلیون ریال درآمد داشته‌اند که ۳ نفر بزه‌دیده واقعی جیب‌بری و ۳ نفر بزه‌دیده واقعی زورگیری بوده‌اند. و ۷/۴٪ بیش از ۳۰ میلیون ریال درآمد داشته‌اند که ۸ نفر بزه‌دیده واقعی جیب‌بری و ۳ نفر بزه‌دیده واقعی زورگیری بوده‌اند. بنابراین در تمام طبقات درآمدی بزه‌دیدگان واقعی حضور دارند.

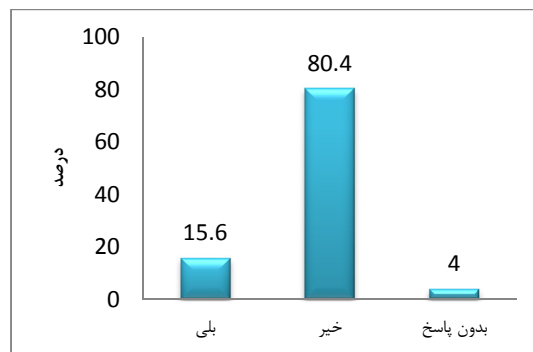


نمودار ۲: درصد فراوانی پاسخگویان برحسب میزان درآمد

فراوانی پاسخگویانی که واقعاً بزه‌دیده زورگیری بودند، ۳۵ نفر یعنی ۹/۳٪ مشتمل بر ۶ زن و ۲۹ مرد بودند و بزه‌دیدگان فرضی ۳۳۰ نفر یعنی ۸۷/۳٪ برآورد شد. ۱۳ نفر نیز گزینه بدون پاسخ را انتخاب کردند. پاسخگویانی که واقعاً بزه‌دیده جیب‌بری شده بودند، ۵۹ نفر یعنی ۱۵/۶٪ مرکب از ۲۵ زن و ۳۴ مرد بودند و بزه‌دیدگان فرضی ۳۰۴ نفر یعنی ۸۰/۴٪ برآورد شد. ۱۵ نفر هم گزینه بدون پاسخ را انتخاب نمودند.



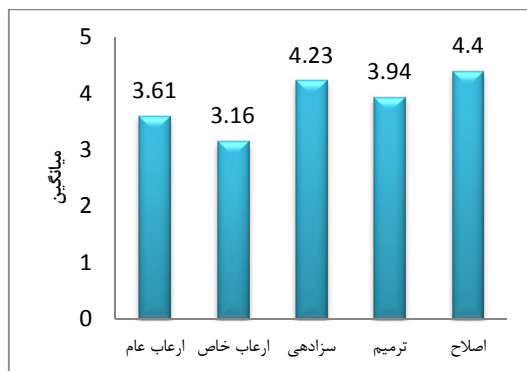
نمودار ۳: درصد فراوانی پاسخگویان برحسب تجربه بزه‌دیدگی جرم زورگیری



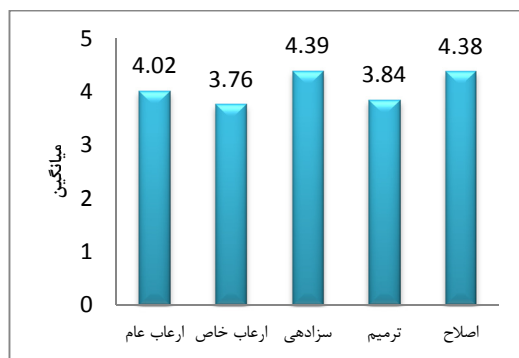
نمودار ۴: درصد فراوانی پاسخگویان برحسب تجربه بزه‌دیدگی جرم جیب‌بری

علاوه بر این با استفاده از نرم‌افزار Excel میانگین نگرش بزه‌دیدگان فرضی و واقعی نسبت به هر یک از اهداف مجازات مشتمل بر سزادهی، ارباب عام، ارباب خاص، اصلاح و ترمیم از طیف کاملاً موافق (با وزن ۵) تا طیف کاملاً مخالف (با وزن ۱) سنجیده شد.

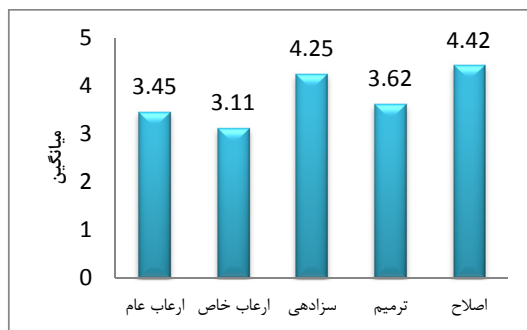
براین اساس، مشخص گردید که بزه‌دیدگان واقعی جیب‌بری نگرش اصلاحی‌تر و ترمیمی‌تری نسبت به بزه‌دیدگان فرضی این جرم دارند؛ زیرا میانگین نگرش آنان نسبت به اصلاح و ترمیم بالاتر از میانگین نگرش بزه‌دیدگان فرضی است؛ به‌علاوه میانگین نگرش سزاگرایانه و اربابی آنان در مقایسه با بزه‌دیدگان فرضی پایین‌تر است. در خصوص نگرش بزه‌دیدگان واقعی و فرضی زورگیری، بزه‌دیدگان واقعی همچنان نگرش غیرتنبیهی را مقدم داشته‌اند؛ چرا که نگرش اصلاحی را در اولویت قرار داده، نگرش سزاگرایانه و اربابی آنان نسبت به بزه‌دیدگان فرضی خفیف‌تر است. به‌عبارت دیگر، بزه‌دیدگان واقعی زورگیری نسبت به بزه‌دیدگان فرضی این جرم نگرش غیرتنبیهی‌تری دارند. با وجود این، نگرش غیرتنبیهی بزه‌دیدگان واقعی زورگیری بدین معنا نیست که آنان از نگرش ترمیمی بالاتری نیز برخوردارند؛ بلکه بر اساس آمارها، در این جرم بزه‌دیدگان واقعی نگرش ترمیمی ضعیف‌تری هم نسبت به بزه‌دیدگان فرضی زورگیری و هم نسبت به بزه‌دیدگان واقعی و فرضی جیب‌بری دارند.



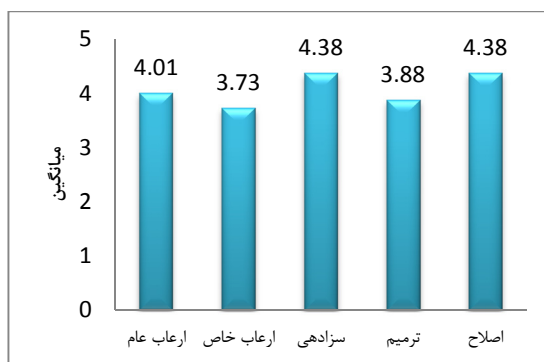
نمودار ۵: میانگین نگرش بزه‌دیدگان واقعی جیب‌بری نسبت به اهداف مجازات



نمودار ۶: میانگین نگرش بزه‌دیدگان فرضی جیب‌بری نسبت به اهداف مجازات



نمودار ۷: میانگین نگرش بزه‌دیدگان واقعی زورگیری نسبت به اهداف مجازات



نمودار ۸: میانگین نگرش بزه‌دیدگان فرضی زورگیری نسبت به اهداف مجازات

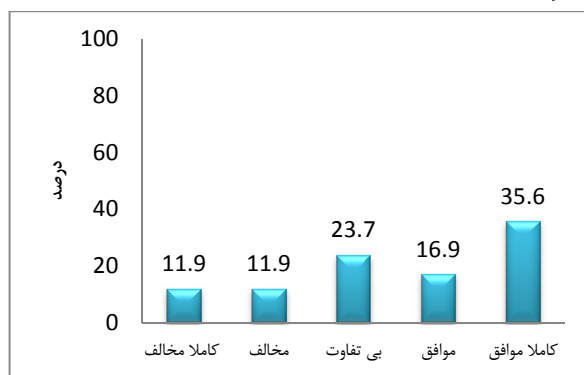
سپس تجزیه و تحلیل‌های لازم در خصوص داده‌های گردآوری شده به تفکیک هر فرضیه انجام پذیرفت که نتایج به شرح ذیل حاصل گردید:

فرضیه اول: «میان نگرش پاسخگویان نسبت به اهداف مجازات و اعمال مجازات رابطه وجود دارد».

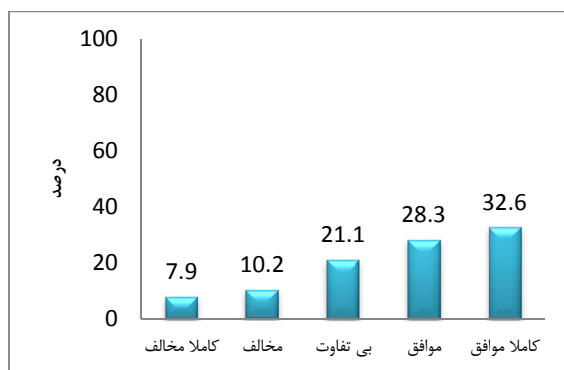
برای بررسی این فرضیه از گویه‌های ۵-۱، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ پرسشنامه استفاده و میان آنها آزمون اسپیرمن برقرار گردید. بر اساس سطح معناداری آزمون (P.Valve) مشخص شد که میان نگرش تنبیهی با اهداف ارعایی و سزاگرایانه بزه‌دیدگان واقعی و اعمال مجازات، هم در جرم سبک علیه اموال و هم در جرم خشونت‌آمیز، چه مجرم دارای سابقه کیفری باشد یا نباشد، برخلاف بزه‌دیدگان فرضی، رابطه خطی معناداری وجود ندارد. میان نگرش تنبیهی بزه‌دیدگان فرضی و اعمال مجازات، چه در جرم سبک علیه اموال، چه در جرم خشونت‌آمیز، چه مجرم بدون سابقه کیفری باشد یا دارای سابقه، رابطه خطی معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی مثبت میان متغیرهای این آزمون نیز بیانگر آن است که هرچه نگرش تنبیهی قوی‌تری وجود داشته باشد، تمایل به اعمال مجازات بیشتر است.

میان نگرش اصلاحی بزه‌دیدگان واقعی و فرضی و اعمال مجازات، هم در جرم سبک علیه اموال، هم در جرم خشونت‌آمیز، هم در مورد مجرمان بدون سابقه و هم در مورد مجرمان سابقه‌دار رابطه معنادار وجود ندارد.

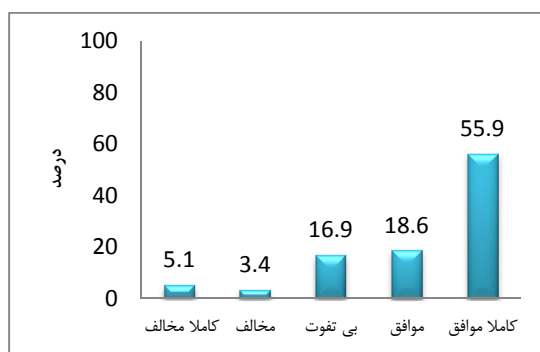
میان نگرش ترمیمی بزه‌دیدگان واقعی و اعمال مجازات در جرم علیه اموال، چه مجرم دارای سابقه کیفری باشد یا بدون سابقه کیفری، رابطه خطی معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی منفی میان آنها نیز نشان می‌دهد که با تقویت نگرش ترمیمی بزه‌دیدگان واقعی احتمال اعمال مجازات کاهش می‌یابد. لکن میان متغیرهای نگرش ترمیمی بزه‌دیدگان واقعی و فرضی و اعمال مجازات در جرم خشونت‌آمیزی که مجرم دارای سابقه کیفری است، رابطه معنادار مشاهده نشد. فرضیه دوم: «استفاده از مجازات موجب ترمیم و بهبود عواطف بزه‌دیده پس از ارتکاب جرم می‌گردد». پیش از بررسی این فرضیه، میزان طرفداری از اعمال مجازات در جرم علیه اموال (جیب‌بری) با مجرم بدون سابقه و سابقه‌دار و جرم خشونت‌آمیز (زورگیری) با مجرم سابقه‌دار بررسی گردید. برآوردهای آماری حاکی از آن است که در داستان نخست، میزان طرفداری از اعمال مجازات از سوی بزه‌دیدگان واقعی و فرضی، در جرم سبک علیه اموالی که مجرم آن سابقه کیفری ندارد، از جرم علیه اموال و جرم خشونت‌آمیزی که مجرم دارای سابقه کیفری است، کمتر می‌باشد. یعنی زمانی که مجرم سابقه کیفری نداشته باشد، آمادگی بزه‌دیدگان برای عدم اعمال مجازات بیشتر است. در داستان دوم، یعنی در جرم خشونت‌آمیزی که مجرم آن دارای سابقه کیفری است، میزان طرفداری از اعمال مجازات از سوی بزه‌دیدگان واقعی و فرضی، در بالاترین درجه قرار دارد. بنابراین طرفداری از اعمال مجازات، هم در جرم علیه اموال، هم در جرم خشونت‌آمیز، هم در مورد مجرمان بدون سابقه و هم در خصوص مجرمان سابقه‌دار مشاهده می‌شود. گرچه در جرایم خشونت‌آمیز و مجرم دارای سابقه طرفداری از اعمال مجازات بیشتر مورد توجه است.



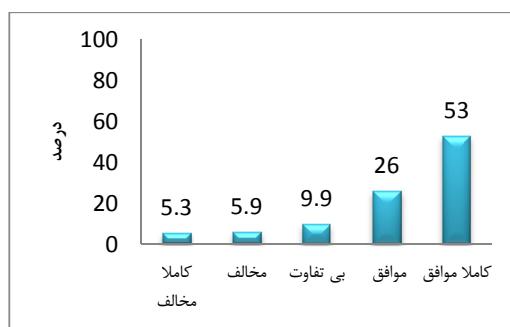
نمودار ۹: میزان طرفداری از اعمال مجازات در جرم جیب‌بری با مجرم بدون سابقه/ بزه‌دیده واقعی



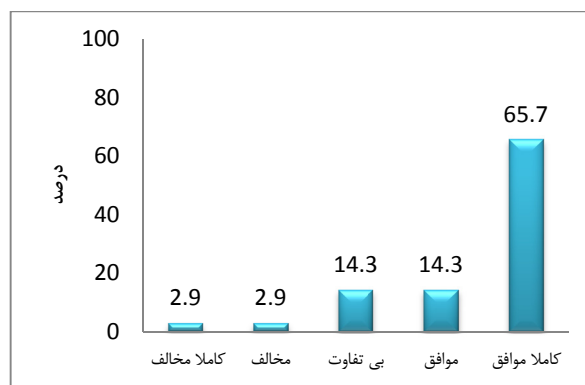
نمودار ۱۰: میزان طرفداری از اعمال مجازات در جرم جیب‌بری با مجرم بدون سابقه / بزه‌دیده فرضی



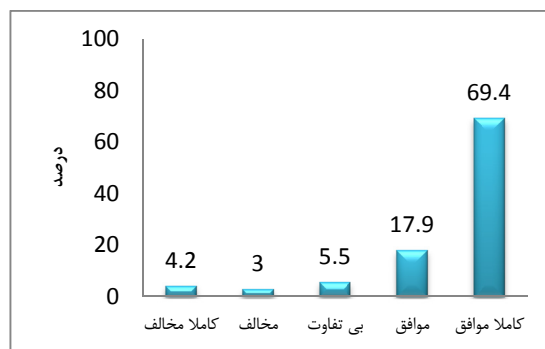
نمودار ۱۱: میزان طرفداری از اعمال مجازات در جرم جیب‌بری با مجرم سابقه‌دار / بزه‌دیده واقعی



نمودار ۱۲: میزان طرفداری از اعمال مجازات در جرم جیب‌بری با مجرم سابقه‌دار / بزه‌دیده فرضی

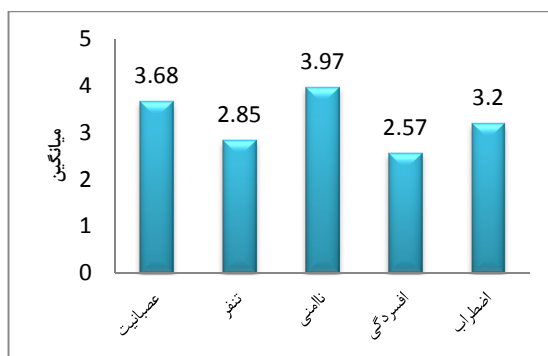


نمودار ۱۳: میزان طرفداری از اعمال مجازات در جرم زورگیری با مجرم سابقه‌دار/ بزهدیده واقعی

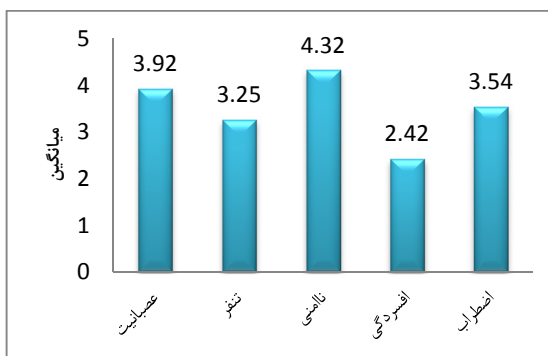


نمودار ۱۴: میزان طرفداری از اعمال مجازات در جرم زورگیری با مجرم سابقه‌دار/ بزهدیده فرضی

به منظور بررسی فرضیه دوم ابتدا از پاسخگویان خواسته شد تا واکنش‌های عاطفی خود مشتمل بر عصبانیت، تنفر، ناامنی، افسردگی و اضطراب را به‌عنوان بزهدیده نسبت به داستان دوم ارزیابی کنند. میانگین واکنش‌های عاطفی بزهدیدگان واقعی و فرضی از طیف کاملاً موافق (با وزن ۵) تا طیف کاملاً مخالف (با وزن ۱) به ترتیب عبارت است از: ناامنی، عصبانیت، اضطراب، تنفر و افسردگی. بنابراین ترتیب واکنش‌های عاطفی بزهدیدگان واقعی و فرضی در برابر جرم زورگیری یکسان است؛ با وجود این، واکنش‌های عاطفی بزهدیدگان واقعی از شدت کمتری نسبت به واکنش‌های عاطفی بزهدیدگان فرضی برخوردار است.



نمودار ۱۵: میانگین واکنش‌های عاطفی بزهدیدگان واقعی جرم خشونت‌آمیز

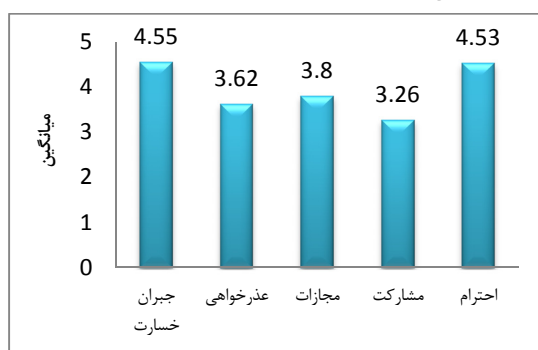


نمودار ۱۶: میانگین واکنش‌های عاطفی بزهدیدگان فرضی جرم خشونت‌آمیز

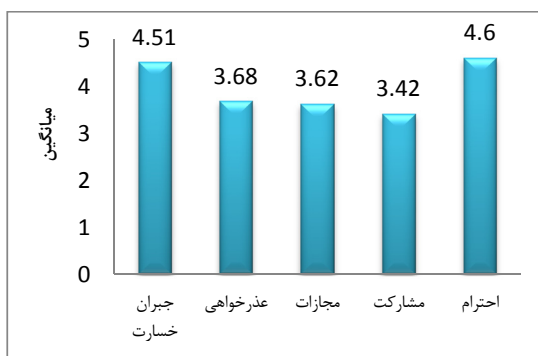
در گام بعدی از پاسخگویان خواسته شد تا بیان دارند از میان متغیرهای جبران همه خسارات، عذرخواهی کامل و صادقانه، اعمال مجازات، مشارکت در تصمیم‌گیری دادگاه در مورد تعیین حکم پرونده و برخورد احترام‌آمیز دادگاه، کدام یک موجب بهبود عواطف ایشان پس از تجربه بزهدیدگی خواهد شد. بدین صورت، عواملی که موجب ترمیم احساسات پس از تجربه جرم خشونت‌آمیز زورگیری می‌گردد، به تفکیک در خصوص قربانیان واقعی و فرضی مورد ارزیابی قرار گرفت.

در هر دو گروه بزهدیدگان اعمال مجازات یکی از عوامل ترمیم عواطف است. در هر دو گروه نیز رفتار محترمانه دادگاه و جبران خسارت مهم‌تر از اعمال مجازات به شمار می‌آیند؛ اما با توجه به آنکه نگرش بزهدیدگان واقعی غیرتنبیهی‌تر و طرفداری از اعمال مجازات از سوی آنان با

شدت کمتری همراه است، عوامل بهبود عواطف در ایشان نیز با بزه‌دیدگان فرضی متفاوت می‌باشد. بزه‌دیدگان واقعی عذرخواهی را مؤثرتر از اعمال مجازات می‌دانند. همچنین برخورد محترمانه دادگاه، عذرخواهی و مشارکت در تعیین حکم پرونده با میانگینی بیشتر و جبران خسارت و اعمال مجازات با میانگینی کمتر نسبت به بزه‌دیدگان فرضی عوامل بهبود عواطف بزه‌دیدگان واقعی را تشکیل می‌دهند.



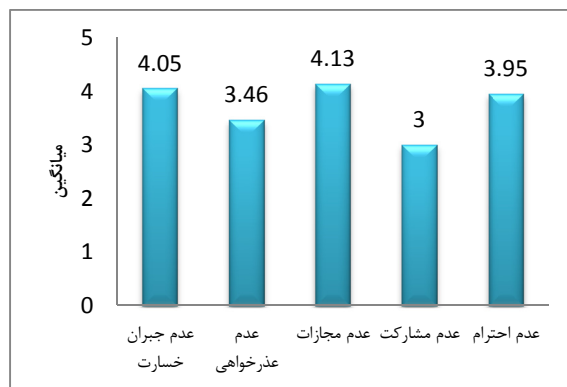
نمودار ۱۷: میانگین عوامل بهبود و ترمیم عواطف بزه‌دیده واقعی



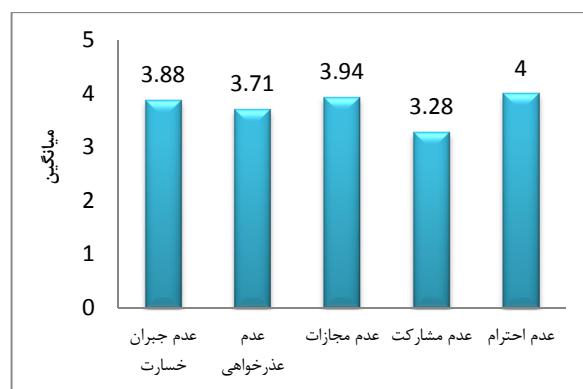
نمودار ۱۸: میانگین عوامل بهبود و ترمیم عواطف بزه‌دیده فرضی

پس از آن، برای درک بهتر موضوع، سوالات برعکس شده و تأثیر فقدان عوامل پیش‌گفته بر عدم بهبود عاطفی بزه‌دیدگان واقعی و فرضی زورگیری مورد بررسی قرار گرفت. همانند مورد قبل برخورد غیرمحترمانه دادگاه، عدم عذرخواهی و عدم مشارکت در تصمیم دادگاه با میانگینی

بیشتر و عدم جبران خسارت و عدم اعمال مجازات با میانگینی کمتر نسبت به بزهدیدگان فرضی تشکیل‌دهنده عوامل عدم ترمیم عواطف هستند.



نمودار ۱۹: میانگین عوامل عدم بهبود و ترمیم عواطف بزهدیده واقعی



نمودار ۲۰: میانگین عوامل عدم بهبود و ترمیم عواطف بزهدیده فرضی

با این همه تحلیل‌ها نشان می‌دهد در جرم زورگیری، هم در خصوص بزهدیدگان واقعی و هم بزهدیدگان فرضی، عدم مجازات مجرم با دو پله ارتقا نسبت به وجود متغیر مجازات، تأثیر بیشتری در عدم بهبود عاطفی بزهدیده دارد. به عبارت دیگر، در خصوص تأثیر مجازات در بهبود عاطفی بزهدیده، فقدان مجازات بیش از وجود آن احساس می‌شود. بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود.

آنچه در این آزمون در خصوص بزه‌دیدگان واقعی خودنمایی می‌کند، آن است که متغیر «برخورد محترمانه دادگاه» مهم‌ترین عامل در ترمیم یا عدم ترمیم عواطف بزه‌دیده واقعی می‌باشد.

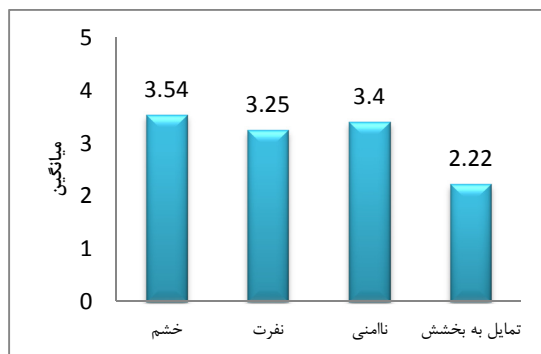
جدول ۱: رتبه‌بندی عوامل بهبود و عدم بهبود عواطف به تفکیک بزه‌دیده واقعی و فرضی

عوامل بهبود و ترمیم عواطف بزه‌دیده		عوامل عدم بهبود و ترمیم عواطف بزه‌دیده	
بزه‌دیده فرضی	بزه‌دیده واقعی	بزه‌دیده فرضی	بزه‌دیده واقعی
عدم مجازات	عدم احترام	عدم مجازات	عدم احترام
عدم جبران خسارت	عدم جبران خسارت	عدم مجازات	عدم جبران خسارت
عدم احترام	عدم احترام	عدم جبران خسارت	عدم جبران خسارت
عدم عذرخواهی	عدم عذرخواهی	عدم عذرخواهی	عدم عذرخواهی
عدم مشارکت	عدم مشارکت	عدم مشارکت	عدم مشارکت

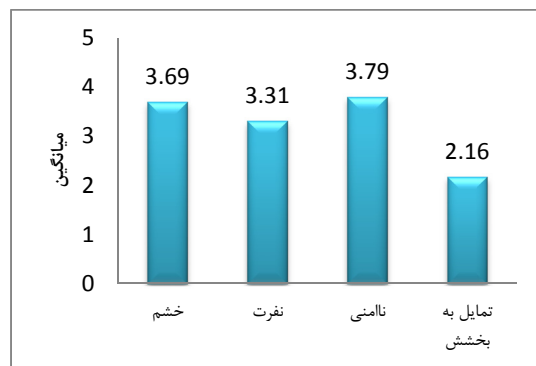
فرضیه سوم: «تحمیل مجازات همراه با عذرخواهی و جبران خسارت، نسبت به تحمیل مجازات صرف یا عذرخواهی و جبران خسارت صرف، سازنده‌تر و ترمیم‌بخش‌تر است».

برای بررسی این فرضیه از گویه‌های ۳۷-۴۸ پرسشنامه استفاده گردید؛ به این طریق که با استفاده از نرم‌افزار Excel میانگین واکنش‌های عاطفی بزه‌دیدگان واقعی و فرضی زورگیری مشتمل بر خشم، نفرت، ناامنی و تمایل به بخشش در سه مدل تنبیهی، غیرتنبیهی و جامع سنجیده شد. مدل تنبیهی بیانگر فرضی است که مجرم بدون اینکه عذرخواهی کند و خسارات را جبران نماید، متحمل مجازات می‌شود. مدل غیرتنبیهی متضمن عدم مجازات مجرم، عذرخواهی کامل و صادقانه وی و جبران خسارات از سوی اوست. مدل جامع نیز حالتی است که مجرم هم مجازات می‌شود، هم عذرخواهی کامل و صادقانه انجام می‌دهد و هم خسارات را جبران می‌کند. در مدل تنبیهی تمایل به بخشش که از ویژگی‌های عدالت‌ترمیمی است، از سوی بزه‌دیدگان واقعی و فرضی در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد؛ در حالی که در مدل جامع متغیر تمایل به بخشش در صدر رتبه‌بندی جای دارد. نکته دیگر آن است که حس ناامنی و خشم بزه‌دیدگان هنگام تجربه بزه‌دیدگی در مقایسه با فرض اجرای مدل تنبیهی کاهش داشته، اما حس نفرت با فرض

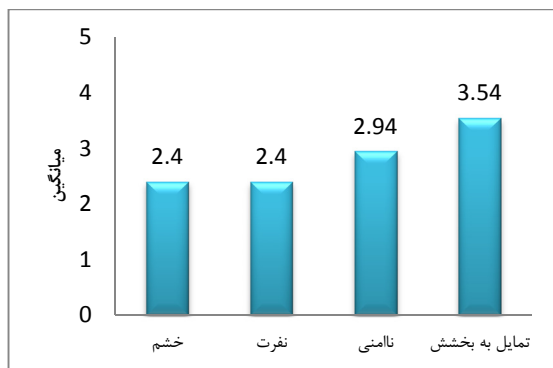
اعمال مجازات صرف در این مدل افزایش پیدا کرده است. در مدل غیرتنبیهی و جامع همگی احساسات ناامنی، خشم و تنفر کاهش یافته است.



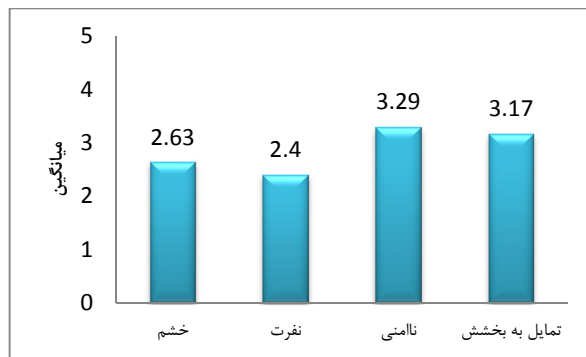
نمودار ۲۱: میانگین واکنش‌های عاطفی بزه‌دیده واقعی در مدل تنبیهی



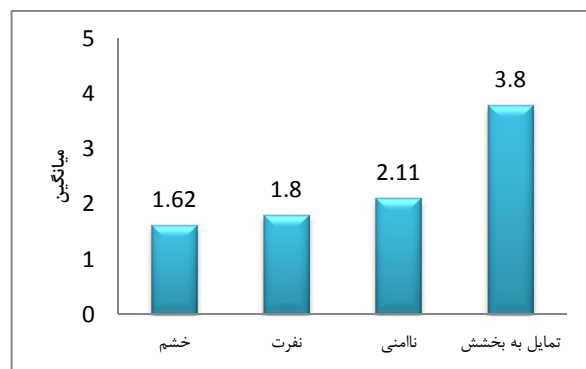
نمودار ۲۲: میانگین واکنش‌های عاطفی بزه‌دیده فرضی در مدل تنبیهی



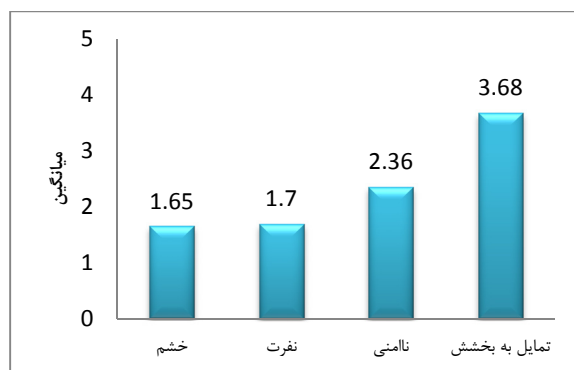
نمودار ۲۳: میانگین واکنش‌های عاطفی بزهدیده واقعی در مدل غیرتنبیهی



نمودار ۲۴: میانگین واکنش‌های عاطفی بزهدیده فرضی در مدل غیرتنبیهی



نمودار ۲۵: میانگین واکنش‌های عاطفی بزهدیده واقعی در مدل جامع



نمودار ۲۶: میانگین واکنش‌های عاطفی بزه‌دیده فرضی در مدل جامع

در جدول زیر واکنش‌های عاطفی بزه‌دیدگان فرضی و واقعی جرم زورگیری در مدل‌های تنبیهی، غیرتنبیهی و جامع به ترتیب ذکر شده است. در مدل تنبیهی بزه‌دیدگان فرضی احساس ناامنی بیشتری داشتند، اما بزه‌دیدگان واقعی احساس خشم بالاتری را تجربه کردند. بنابراین در این مدل بزه‌دیدگان خشم و ناامنی را در ابتدای جدول احساسات خود قرار دادند. در مدل غیرتنبیهی بزه‌دیدگان واقعی احساس ناامنی کمتری نسبت به بزه‌دیدگان فرضی داشته و تمایل به بخشش در آنها بالاتر است. ترتیب واکنش‌های عاطفی در مدل جامع در هر دو دسته بزه‌دیدگان فرضی و واقعی جرم مذکور یکسان مشاهده گردید. بزه‌دیدگان واقعی هم در مدل غیرتنبیهی و هم در مدل جامع متغیر تمایل به بخشش را در صدر رتبه‌بندی خود قرار دادند و پس از آن ناامنی، نفرت و خشم را در مراتب بعدی طبقه‌بندی نمودند؛ با وجود این، میانگین متغیر تمایل به بخشش در مدل جامع بالاتر از مدل غیرتنبیهی و میانگین احساس ناامنی، نفرت و خشم در این مدل از مدل غیرتنبیهی پایین‌تر است.

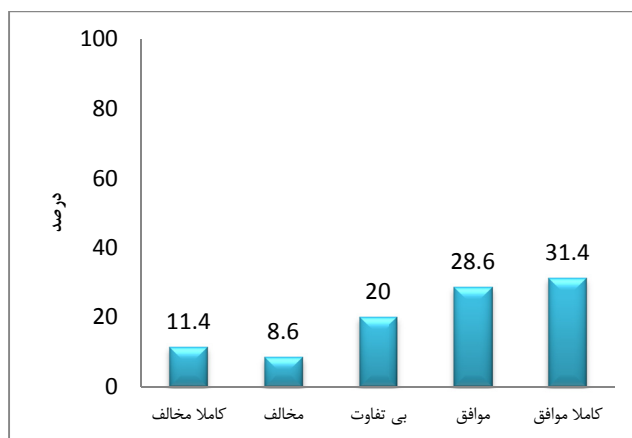
جدول ۲: رتبه‌بندی میانگین واکنش‌های عاطفی بزه‌دیدگان واقعی و فرضی در مدل‌های سه‌گانه

	بزه‌دیده واقعی	بزه‌دیده فرضی
مدل تنبیهی	خشم	ناامنی
	ناامنی	خشم
	نفرت	نفرت
	تمایل به بخشش	تمایل به بخشش
مدل غیر تنبیهی	تمایل به بخشش	ناامنی
	ناامنی	تمایل به بخشش
	نفرت/خشم	خشم
	-	نفرت
مدل جامع	تمایل به بخشش	تمایل به بخشش
	ناامنی	ناامنی
	نفرت	نفرت
	خشم	خشم

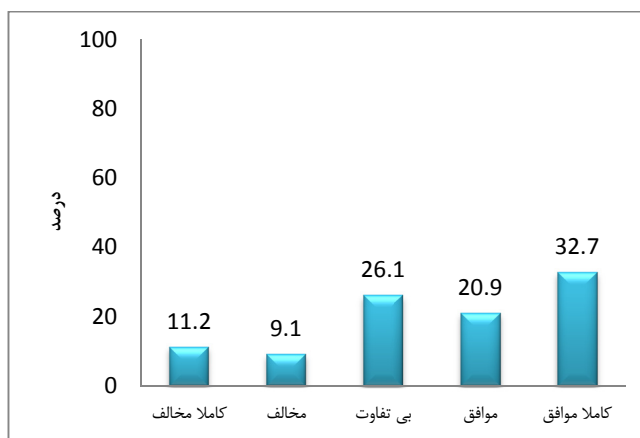
بنابراین همه بزه‌دیدگان مدل جامع را برای بازبایی عاطفی از مدل تنبیهی و غیرتنبیهی سازنده‌تر و ترمیم‌بخش‌تر می‌دانند. بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌گردد.

فرضیه چهارم: «هنگامی که مجرمان عذرخواهی کامل و صادقانه داشته باشند و تمامی خسارات را جبران کنند، میزان مجازات لازم از نظر بزه‌دیدگان کاهش خواهد یافت».

برای بررسی این فرضیه از گویه ۵۱ پرسشنامه استفاده شد؛ به این ترتیب که از پاسخگویان خواسته شد در یک طیف کاملاً مخالف (با وزن ۱) تا طیف کاملاً موافق (با وزن ۵) بیان نمایند اگر مجرم عذرخواهی کامل و صادقانه داشته باشد و تمامی خسارات را جبران نماید، آیا با مجازات کمتر راضی می‌شوند یا خیر. بزه‌دیدگان فرضی زورگیری با میانگین ۳/۵ و بزه‌دیدگان واقعی این جرم با میانگین ۳/۶ در صورت عذرخواهی کامل و صادقانه مجرم و جبران خسارات توسط وی به مجازات کمتر رضایت می‌دهند. بنابراین واکنش بزه‌دیدگان واقعی و فرضی در خصوص این متغیر تقریباً یکسان است و فرضیه چهارم تأیید می‌شود.



نمودار ۲۷: درصد فراوانی رضایت به کاهش مجازات در صورت عذرخواهی و جبران خسارت/ بزه‌دیده واقعی



نمودار ۲۸: درصد فراوانی رضایت به کاهش مجازات در صورت عذرخواهی و جبران خسارت/ بزه‌دیده فرضی

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق نگرش بزه‌دیدگان نسبت به اهداف مجازات در جرایم مختلف متفاوت است. در جرم علیه اموال (جیب‌بری)، نگرش بزه‌دیدگان واقعی نسبت به اهداف مجازات از بزه‌دیدگان فرضی غیرتنبیهی‌تر است؛ چرا که میانگین نگرش آنان نسبت به اصلاح و ترمیم بالاتر از میانگین نگرش بزه‌دیدگان فرضی و میانگین نگرش سزاگرایانه و ارعابی آنان نیز در مقایسه با بزه‌دیدگان فرضی پایین‌تر است. بزه‌دیدگان واقعی در مواجهه با جرایم سبک نگرش اصلاحی را مقدم می‌دارند؛ در حالی که بزه‌دیدگان فرضی با نگرش سزاگرایانه موافق‌اند.

با خشونت‌آمیز شدن جرایم، گرچه همچنان نگرش اصلاحی بزه‌دیدگان واقعی در صدر است، نگرش غیرتنبیهی ترمیمی آنان نسبت به جرم علیه اموال افول می‌کند و نگرش تنبیهی سزاگرایانه‌شان افزایش می‌یابد. حتی در این جرم بزه‌دیدگان واقعی نگرش ترمیمی ضعیف‌تری نسبت به بزه‌دیدگان فرضی دارند. بنابراین به نظر می‌رسد با افزایش شدت و اهمیت جرم، نگرش ترمیمی بزه‌دیدگان واقعی تضعیف و نگرش سزاگرایانه آنان تقویت می‌شود.

گاه میان نگرش بزه‌دیدگان نسبت به اهداف مجازات و اعمال مجازات رابطه وجود دارد. در این تحقیق ثابت گردید که میان نگرش ترمیمی بزه‌دیدگان واقعی و اعمال مجازات در جرم علیه اموال، چه مجرم سابقه کیفری داشته یا نداشته باشد، رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی منفی میان متغیرها هم نشان می‌دهد که با تقویت نگرش ترمیمی بزه‌دیدگان واقعی احتمال اعمال مجازات کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، در جرایم سبک، نگرش ترمیمی می‌تواند منجر به عدم اعمال مجازات گردد.

میان نگرش تنبیهی با اهداف ارعابی و سزاگرایانه بزه‌دیدگان فرضی و اعمال مجازات، چه در جرم سبک علیه اموال، چه در جرم خشونت‌آمیز، چه مجرم بدون سابقه کیفری یا دارای سابقه باشد، رابطه خطی معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی مثبت میان متغیرهای این آزمون نیز بیانگر آن است که هرچه نگرش تنبیهی قوی‌تری وجود داشته باشد، تمایل به اعمال مجازات بیشتر است.

با وجود آنکه بزه‌دیدگان نگرش‌های متفاوتی نسبت به اهداف مجازات دارند، اما هم در جرم علیه اموال و هم در جرم خشونت‌آمیز از اعمال مجازات طرفداری می‌کنند. حتی در جرم سبک علیه اموالی که مجرم سابقه کیفری ندارد، حدود نیمی از بزه‌دیدگان از اعمال مجازات طرفداری

کردند. این میزان طرفداری از اعمال مجازات، در جرم خشونت‌آمیز به بیش از چهار پنجم بزه‌دیدگان افزایش می‌یابد. اهمیت این موضوع در آن است که بزه‌دیدگان واقعی نیز که نگرش غیرتنبیهی‌تری نسبت به بزه‌دیدگان فرضی دارند، همین سیر صعودی را دنبال می‌نمایند. بنابراین حتی اگر نگرش غیرتنبیهی بزه‌دیدگان بر نگرش تنبیهی ایشان پیشی گیرد، همانند آنچه در مورد بزه‌دیدگان واقعی قابل ملاحظه است، باز هم تغییری رخ نخواهد داد. این امر می‌تواند نشانگر آن باشد که بزه‌دیدگان با طرفداری از مجازات واکنش‌های عاطفی خود همچون ناامنی، عصبانیت، اضطراب، تنفر و افسردگی را پس از تجربه بزه‌دیدگی تسکین می‌دهند.

از همین رو عواملی که واکنش‌ها و عواطف بزه‌دیده را پس از جرم بهبود می‌بخشد، مورد آزمون قرار گرفت. عامل عذرخواهی نشانگر نیاز بزه‌دیده به تأیید خود از جانب بزه‌کار است. عامل جبران خسارت نیاز بزه‌دیده به پرداخت غرامت را نشان می‌دهد و عامل مجازات نیاز بزه‌دیده به امنیت و عدالت را بیان می‌سازد. از میان عوامل جبران خسارت، عذرخواهی کامل و صادقانه، اعمال مجازات، مشارکت در تصمیم‌گیری دادگاه در مورد تعیین حکم پرونده و برخورد احترام‌آمیز دادگاه، بزه‌دیدگان فرضی اعمال مجازات را در درجه سوم و بزه‌دیدگان واقعی آن را در درجه چهارم رتبه‌بندی نمودند. هر دو گروه بزه‌دیدگان برخورد محترمانه دادگاه و جبران خسارت را منابع اولیه ترمیم عواطف خود به حساب می‌آورند؛ لکن از آنجا که بزه‌دیدگان واقعی نگرش غیرتنبیهی‌تری دارند و طرفداری از اعمال مجازات از سوی آنان توأم با شدت کمتری است، عذرخواهی را پیش از اعمال مجازات طبقه‌بندی می‌نمایند. بنابراین طرفداری از اعمال مجازات تنها به واسطه نگرش سزاگرایانه بزه‌دیدگان نیست. بزه‌دیده باید اطمینان داشته باشد که بزه‌کار تهدیدی مستمر برای امنیت شخصی وی محسوب نمی‌شود و این امر با اعمال مجازات همراه با عذرخواهی که حاکی از پشیمانی واقعی بزه‌کار است، میسر می‌گردد. به علاوه آمارها نشان می‌دهد اعمال مجازات یکی از منابعی است که می‌تواند عواطف بزه‌دیده، به خصوص حس ناامنی و خشم و عصبانیت آنان را که پس از تجربه بزه‌دیدگی ایجاد شده است، التیام بخشد. در واقع بزه‌دیدگان واقعی پس از برخورد محترمانه دادگاه، جبران خسارت و عذرخواهی را که از مولفه‌های مهم عدالت ترمیمی هستند، بر اعمال مجازات ترجیح می‌دهند، اما به کلی اعمال مجازات را نادیده نمی‌گیرند.

موضوع با حذف عوامل مذکور از فرایند رسیدگی و بررسی تأثیر فقدان این عوامل بر عدم بهبود عاطفی بزه‌دیدگان روشن‌تر شده، مشخص می‌گردد که عدم مجازات بیش از وجود آن بر احساسات بزه‌دیده تأثیرگذار است. این امر بدان معنی است که بزه‌دیدگان حتی اگر به شاخص‌های عدالت ترمیمی، یعنی جبران خسارت و عذرخواهی، معتقد باشند و وجود آنها را موثرتر از اعمال مجازات در بهبود عاطفی خود قلمداد کنند، فقدان مجازات را مهم‌تر از فقدان شاخص‌های عدالت ترمیمی برشمرده، آن را پیش از عدم عذرخواهی و جبران خسارت رتبه‌بندی می‌کنند. به عبارت دیگر، ایشان نمی‌توانند عواطف خود را بدون مجازات مجرم بهبودیافته تلقی کنند. در نتیجه از دیدگاه بزه‌دیدگان، عدالت ترمیمی نمی‌تواند بدون مجازات مجرم موفق باشد.

درک بهتر این مسئله با ارزیابی واکنش‌های بزه‌دیدگان مشتمل بر خشم، نفرت، ناامنی و تمایل به بخشش در سه مدل تنبیهی، غیرتنبیهی و جامع امکان‌پذیر می‌گردد. در مدل تنبیهی که بزه‌کار بدون آنکه عذرخواهی و جبران خسارت نماید، متحمل مجازات می‌شود، تمایل به بخشش که از فاکتورهای اصلی عدالت ترمیمی است، در هر دو گروه بزه‌دیدگان فرضی و واقعی در آخرین مرتبه قرار دارد. در این مدل بزه‌دیدگان خشم و ناامنی را بیشتر احساس نموده، آن را در بالای جدول طبقه‌بندی می‌کنند، هرچند احساس خشم و ناامنی آنان در مقایسه با هنگامه بزه‌دیدگی کاهش یافته است. نکته مهم آن است که فرض اعمال مجازات صرف، بدون عذرخواهی و جبران خسارت، احساس نفرت بزه‌دیدگان را نسبت به هنگامه بزه‌دیدگی افزایش می‌دهد. بنابراین احساسات بزه‌دیدگان در این مدل آنچنان که شایسته است، ترمیم نمی‌شود و حتی احساس تنفر در آنان تقویت می‌گردد.

در مدل غیرتنبیهی که مجرم مجازات نمی‌شود، اما عذرخواهی کامل و صادقانه انجام می‌دهد و همه خسارات را نیز جبران می‌کند، احساس ناامنی، خشم و نفرت نسبت به هنگامه بزه‌دیدگی کاهش می‌یابد. همچنین احساسات مذکور نسبت به مدل تنبیهی هم کاهش نشان می‌دهد. در این مدل حس تمایل به بخشش نسبت به مدل تنبیهی افزایش می‌یابد تا آنجا که بزه‌دیدگان واقعی آن را در بالای جدول احساسات خود قرار دادند. بزه‌دیدگان فرضی که نگرش سزاگرایانه و اربابی‌شان قوی‌تر است و از اعمال مجازات با شدت بیشتری طرفداری می‌کنند، عدم اجرای مجازات را بیش از همه موجب ناامنی دانسته، آن را در صدر جدول طبقه‌بندی می‌نمایند. در واقع

هنگامی که بزه‌دیدگان با عذرخواهی صادقانه مجرم و جبران خسارات توسط او مواجه می‌شوند، بدون آنکه مجازات شود، حس ناامنی، خشم و نفرت آنان نسبت به هنگامی که مجرم مجازات می‌شود اما عذرخواهی و جبران خسارات نمی‌کند، کمتر است؛ با این حال، همچنان این واکنش‌ها و عواطف میانگین بالایی دارند، به خصوص حس ناامنی که میانگین آن از خشم و نفرت بالاتر است. به نظر می‌رسد عدم اجرای مجازات منجر به بروز این احساسات، به ویژه حس ناامنی در بزه‌دیدگان می‌شود. به عبارت دیگر، حتی اگر مجرم مؤلفه‌های اصلی عدالت ترمیمی را رعایت کند، یعنی عذرخواهی کامل و صادقانه‌ای انجام دهد و در حقیقت از رفتار خود اظهار شرمساری نماید و خسارات را هم جبران کند، بازهم به دلیل عدم اجرای مجازات احساس ناامنی، خشم و نفرت بزه‌دیده در سطح بالایی قرار دارد. این امر با توجه به مدل جامع که مجرم هم مجازات می‌شود، هم عذرخواهی انجام می‌دهد و هم خسارات را جبران می‌کند، قابل اثبات است.

در مدل جامع ترتیب واکنش‌های عاطفی در هر دو دسته بزه‌دیدگان فرضی و واقعی جرم زورگیری یکسان است. بزه‌دیدگان در این مدل، متغیر تمایل به بخشش را در صدر رتبه‌بندی خود قرار دادند و پس از آن ناامنی، نفرت و خشم را در مراتب بعدی طبقه‌بندی نمودند. در این مدل میانگین تمایل به بخشش از مدل غیرتنبیهی بالاتر و میانگین احساس ناامنی، نفرت و خشم از مدل غیرتنبیهی پایین‌تر است. بنابراین اعمال مجازات همراه با عذرخواهی و جبران خسارت احساس مثبت تمایل به بخشش را نسبت به دو مدل دیگر ارتقا می‌دهد و احساسات منفی ناامنی، نفرت و خشم را پایین می‌آورد. پس اگر عدالت ترمیمی همراه با اعمال مجازات باشد، بازیابی عاطفی بزه‌دیدگان بهتر میسر می‌شود. به عبارت دیگر، مدل غیرتنبیهی یا همان ترمیمی ناب‌خواه از مدل تنبیهی در بهبود عاطفی بزه‌دیده موفق‌تر و مدل جامع یا عدالت ترمیمی بیشینه‌خواه از مدل غیرتنبیهی ترمیم‌بخش‌تر است.

در مدل جامع یا عدالت ترمیمی بیشینه‌خواه، هنگامی که مجرم از رفتار خود اظهار شرمساری کرده، عذرخواهی صادقانه‌ای انجام می‌دهد و تمامی خسارات را جبران می‌کند، میزان مجازات از دیدگاه بزه‌دیدگان کاهش می‌یابد و با مجازات کمتر یا سبک‌تری احساس رضایت می‌کنند. پس بزه‌دیدگان با درخواست اعمال مجازات در حق مجرم صرفاً درصدد یک انتقام کور و تشریف‌حس انتقامجویی خویش نیستند، بلکه نیاز حقیقی بزه‌دیده التیام آسیب‌های عاطفی و معنوی است که

در اثر جرم متحمل شده است. بنابراین اجرای مدل ترمیمی پیشینه‌خواه از سویی موجب ترمیم بهتر احساسات بزه‌دیده و از سوی دیگر منجر به کاهش یا تبدیل مجازات بزه‌کار می‌گردد. چنین دیدگاهی نه تنها عدالت ترمیمی را مناسب جرایم کم‌اهمیت و مجرمان بدون سابقه یا نوجوان می‌سازد، بلکه راه را برای بکارگیری عدالت ترمیمی در خصوص جرایم سنگین مجرمان بزرگسال و دارای سابقه کیفری، که نگرانی عمده کارگزاران نظام قضایی را تشکیل می‌دهند، نیز هموار می‌کند. در نتیجه مجازات نه تنها با عدالت ترمیمی سازگار است، بلکه یکی از عناصر اصلی عدالت ترمیمی موفق محسوب می‌شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. شیری، عباس، *عدالت ترمیمی*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۲. غلامی، حسین، *عدالت ترمیمی*، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۳. کرو، لین، سمنز، ناتاشا، *پژوهش جرم‌شناسی*، ترجمه آزاده واعظی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.

مقاله

۴. بریث ویث، جان، *عدالت ترمیمی*، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۵، شماره ۴۳، صص ۵۷۰-۵۲۱.
۵. خسروشاهی، قدرت الله، *تأملات فلسفی در عدالت ترمیمی*، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۱۳۸۴، شماره ۳۴، صص ۴۸-۴۰.
۶. زهر، هوارد، *اصول عدالت ترمیمی*، ترجمه حسین غلامی، اصلاح و تربیت، ۱۳۹۱، شماره ۱۰ (۱۲۴)، صص ۳۷-۳۴.
۷. ساریخانی، عادل و مهدی خاقانی اصفهانی، *نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم‌شناسی غربی از منظر سیاست جنایی قرآن کریم*، کاوشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۳۹۱، شماره ۱ (۱)، صص ۶۴-۴۹.
۸. شیری، عباس، *پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۵، شماره ۷۴، صص ۲۴۵-۲۱۳.
۹. عباسی، مصطفی، *عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری*، پژوهش‌های حقوق عمومی، ۱۳۸۲، شماره ۹، صص ۱۲۸-۸۵.
۱۰. کریستی، نیل، *اختلاف‌ها به‌مثابه دارایی*، ترجمه حسین غلامی، حقوق اسلامی، ۱۳۸۵، شماره ۲ (۸)، صص ۱۹۴-۱۶۷.
۱۱. ماری، فیلیپ، *کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا*، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۳، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، صص ۳۶۴-۳۳۱.

۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی**، الهیات و حقوق، ۱۳۸۲، شماره‌های ۹ و ۱۰، صص ۳۸-۳.
۱۳. -----، **اصلاح ذات البین و نظریه عدالت ترمیمی**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۷، شماره ۱۲(۳)، صص ۲۲۲-۱۹۳.
۱۴. نوبهار، رحیم، **از تعطیل حد تا الغاگرایی کیفری**، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳۹۳، شماره ۱۸(۴)، صص ۱۴۶-۱۲۳.

ب) منابع انگلیسی

Books

15. Daly, Kathleen, (2013), "The Punishment Debate in Restorative Justice", in Jonathan Simon and Richard Sparks (editors), *The Handbook of Punishment and Society*, London: Sage Publications, pp. 356-374.
16. London, Ross, (2011), *Crime, Punishment, and Restorative Justice: From the Margins to the Mainstream*, Boulder, Colorado: Lynne Rienner Publishers.
17. Van Ness, Daniel, and Strong, Karen, (2006), *Restoring Justice: An Introduction to Restorative Justice*, 3rd edition, Cincinnati: Anderson Publishing.
18. Walgrave, Lode, (2004), "Has restorative justice appropriately responded to retribution theory and impulses?", in Howard Zehr and Barb Toews (editors), *Critical Issues in Restorative Justice*, New York: Criminal Justice Press, pp. 47-60.
19. Walgrave, Lode, (2008), *Restorative Justice, Self Interest and Responsible Citizenship*, Cullompton: Willan.
20. Zehr, Howard and Gohar, Ali, (2002), *The Little Book of Restorative Justice, Intercourse*, Pennsylvania: Good Books.

Conference paper

21. Daly, Kathleen, (1999, Nov.17-21), "Restorative Justice and Punishment: The View of Young People", Paper Presented to the American Society of Criminology Annual Meeting, Toronto, Retrieved from: [http://www.rpforschools.net/articles/School_Programs/Restorative Justice and Punishment: The View of Young People.pdf](http://www.rpforschools.net/articles/School_Programs/Restorative_Justice_and_Punishment:_The_View_of_Young_People.pdf).